

قانون اساسی پیشنهادی ایران

حقوق بنیادین مردم ایران

برای تحقق دموکراسی و تعمیق و گسترش حاکمیت ملی، که اساس آن شرکت و نظارت مردم در امور مربوطه به مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زندگی خویش می باشد؛ جمهوری ایران بر اساس عدم تمرکز قدرت استوار خواهد بود. بدیهی است این عدم تمرکز قدرت در چارچوب تمامیت ارضی ایران و اولویت مصالح ملی نسبت به مصالح محلی خواهد بود.

اما رفع تضییقات و محرومیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملت ایران که در طیف های مختلف نژادی، زبانی و مذهبی و در زمینه های متنوع سنن و آداب ملی و قومی در سرزمین ایران زندگی می کنند، ایجاب می کند که مردم ولایات و ایالات ایران با حد اکثر امکانات مطلوب در اداره امور محلی و منطقه ای خود شرکت نموده و در تصمیم گیری مربوط به شرایط زندگی از طریق بنیادهای انتخابی خود سهیم و ناظر باشند.

فصل اول _ اصول کلی

اصل اول

حکومت ایران جمهوری مبتنی بر پارلمانی و بر اساس تفکیک قوای چهارگانه و تضمین حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و انتخابی بودن سران کشور و دولت بر اساس جدائی دین و مسلک از حکومت می باشد.

اصل دوم

جمهوری ایران، حکومتی است بر پایه اصول زیر:

1 - حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش بر اساس خرد جمعی جامعه و با بهره گیری از دست آوردهای دانش در جوامع بشری،

2 - رعایت آزادی، برابری و سایر حقوق اساسی بشر، از جمله حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور با توجه کامل به میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی،

3 - تضمین حق حیات و امنیت شخصی، ومصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل وحریم خصوصی اشخاص از تعرض،

4 - نفی هرگونه رفتار یا کیفر ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، و حق دسترسی همه به دادرسی عادلانه،

- 5 - برخورداری غیرتبعیض آمیز زن و مرد از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و تعیین وظایف برای آنان بر اساس عدالت، با رعایت حق برخورداری کودکان و مادران از کمک و حمایت ویژه،
- 6 - رعایت و تضمین تفکیک و استقلال کامل قوا، با رعایت اصل حاکمیت رای مردم،
- 7 - تضمین مشارکت تمام مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، و اداره امور کشور با اتکاء به آرا عمومی از راه انتخابات مستقیم و بلاواسطه توسط مردم،
- 8 - برخورداری کلیه گروه ها، آئین ها و اقوام و عشایر اقصی نقاط میهن از حقوق مساوی،
- 9 - تحقق حق برخورداری آحاد جامعه از تندرستی و بهداشت، رفاه مطلوب و شایسته انسان از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، خدمات اجتماعی، و تحصیل رایگان، کاریابی
- 10 - تضمین استقلال و امنیت اقتصادی و سیاسی کشور، ضمن داشتن تعامل با سایر کشورها،
- 11 - احترام به سایر ملل و برقراری روابط صلح آمیز با کشورهای جهان،
- 12 - همکاری با نهادهای بین المللی جهت استقرار و توسعه حقوق بشر، صلح و بهبود شرایط زیستی در جهان.

اصل سوم

آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیها و حقوق اساسی مردم را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل چهارم

امور کشور باید به اتکا آرا عمومی اداره شود که این امر از راه انتخابات مستقیم توسط عموم مردم مانند انتخاب رئیس جمهور تشریفاتی، نخست وزیر، نمایندگان مجلس شورای ملی، فرمانداران، شهرداران و سایر موارد مندرج در قوانین، یا انتخاب توسط قشر یا صنفی خاص از مردم مانند انتخاب قضات دادگاه قانون اساسی یا دیوان عالی کشور و امثال آن، و یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد صورت می پذیرد.

مبحث دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور

اصل پنجم

زبان و خط رسمي و مشترك مردم ايران فارسي است . اسناد و مكاتبات و متون رسمي و كتب درسي بايد با اين زبان و خط باشد ولي استفاده از زبانهاي محلي و قومي در مطبوعات و رسانه هاي گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسي آزاد است.

اصل ششم

تقویم رسمي کشور، تقویم ایرانی هجری شمسی است.

اصل هفتم

پرچم رسمي ايران به رنگهاي سبز و سفید و سرخ با علامتی که در آینده با نظر اکثریت ملت انتخاب خواهد شد، در مرکز پرچم قرار خواهد گرفت.

فصل دوم – حقوق اساسی ملت

اصل هشتم

مردم ايران از هر گروه، آئین، قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوي و حق مشارکت مستقیم در اداره امور کل کشور، و امور منطقه خویش برخوردارند و اعتقادات، رنگ، نژاد، زبان، و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل نهم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و به طور غیرتبعیض آمیز از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. در تدوین قوانین باید تا حد اکثر ممکن حمایت ویژه از کودکان و مادران را منظور داشت.

اصل دهم

حقوق اساسی مانند آزادی بیان، حق امنیت شخصی، حریم و شیوه خصوصی زندگی اشخاص، حق دسترسی به دادرسی عادلانه و مانند اینها را نمی توان از هیچیک از افراد یا اقلیت ها به استناد نظر اکثریت ولو با وضع قانون مورد تعرض قرارداد.

اصل یازدهم

قوه مقننه، قضائیه و مجریه موظفند نسبت به اصلاح کلیه قوانین مغایر با حقوق بشر سریعاً اقدام لازم را به عمل آورند و در تدوین و تصویب قوانین و مقررات به طور مداوم به حقوق بشر توجه کامل نمایند. با توجه به ستم مضاعف

تاریخی به زنان، زدودن تمامی اشکال تبعیض نسبت به زنان، از جمله در حقوق مدنی در زمینه ازدواج و طلاق، ارث، مسائل تابعیت، و مانند آن، و در حقوق کیفری در زمینه مجازات‌ها، شهادت، و مانند آن، از اولویت ویژه برخوردار است.

اصل دوازدهم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل و حریم خصوصی اشخاص از تعرض مصون است. مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند.

اصل سیزدهم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به دلیل داشتن یا ابراز عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل چهاردهم

اعتقادات مذهبی و غیر مذهبی همه افراد امری شخصی، محترم، مصون و جدای از سیاست رسمی کشور است. همه در داشتن اعتقادات مذهبی و غیرمذهبی و انجام مراسم اعتقادی خود آزادند. اجرای هیچ فعل یا ترک فعل مبتنی بر اعتقادات مذهبی یا غیر مذهبی را، چه در خفا و چه در انظار، نمی‌توان به هیچکس حتی صغار تحمیل کرد. احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) ادیان و مذاهب، تا جائیکه بنا به تشخیص دادگاه‌ها مخالف قوانین موضوعه کشور، حقوق بشر، نظم عمومی و اخلاق حسنه در معنای حقوقی آن نباشد، و دعاوی مربوط به این احوال در دادگاه‌ها رسمیت دارند.

اصل پانزدهم

داشتن یا نداشتن حجاب یا سایر نشانه‌های مذهبی و غیرآن آزاد است.

اصل شانزدهم

جرم سیاسی وجود ندارد. هر کس در حین انجام فعالیت سیاسی نسبت به اشخاص حقیقی و یا حقوقی مرتکب جرمی مانند افتراء شود و یا حقوق آنان را زیر پا بگذارد، حسب مورد، طبق قانون مجازات یا موظف به جبران خسارات وارده به شخص مربوطه خواهد شد.

اصل هفدهم

راه اندازی نشریات و مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی آزاد است. این رسانه‌ها در بیان کلیه مطالب در صورت رعایت حقوق اشخاص آزاد هستند.

اصل هجدهم

بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، تجسس و افشای هر نوع مخابرات و پیام اعم از معمولی یا الکترونیکی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع و مستوجب کیفر است مگر به حکم قانون و با نظارت و حکم قاضی صالح.

اصل نوزدهم

تشکیل احزاب، جمعیت ها، انجمن ها و اتحادیه های سیاسی و صنفی آزاد است. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. وزارت کشور و وزارت کار حسب مورد موظفند وفق قوانین مصوب مجلس شورای ملی نسبت به ثبت و همکاری با این تشکل ها اقدام نمایند.

اصل بیستم

تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، آزاد و حق افراد است. زمان و مکان اجتماعات و راهپیمایی ها باید حداقل 72 ساعت کاری قبل از انجام به وزارت کشور (در مراکز استان ها به استانداری، در شهرستان ها به فرمانداری و در سایر واحدهای تقسیم کشوری به بخشداری) اطلاع داده شود تا تدارک لازم جهت حفظ امنیت شرکت کنندگان و سایرین صورت گیرد. وزارت کشور حداکثر ظرف 24 ساعت از زمان وصول تقاضا موظف به صدور مجوز یا اعلام صریح دلایل عدم صدور آن در زمان یا مکان مورد تقاضا و پیشنهاد نزدیکترین زمان و مکان جایگزین خواهد بود. متقاضی در صورت اعتراض، حق شکایت از تصمیم وزارت کشور را وفق قوانین مربوطه خواهد داشت. رسیدگی به این شکایت ظرف حداکثر ده روز از زمان وصول آن توسط مراجعی که قانون تعیین می کند به عمل خواهد آمد.

اصل بیست و یکم

اعتصاب یکی از ابزارهای احقاق حق است. شرایط آن را قانون تعیین می کند.

اصل بیست و دوم

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف نظم عمومی، اخلاق حسنه و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. هرگونه گزینش افراد برای مشاغل بر اساس اعتقادات فکری آنان ممنوع است و تخلف از آن جنبه کیفری خواهد داشت.

اصل بیست و سوم

برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی سرپرستی، درراه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایتهای مالی فوق را برای يك يك افراد کشور تامین کند. در هر حال بیمه درمانی رایگان و حداقل مستمری که میزان آن را قانون تعیین خواهد کرد برای هر فرد ایرانی بالای 65 سال صرف نظر از داشتن یا نداشتن سنوات شغلی بر عهده دولت است.

اصل بیست و چهارم

دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره کارشناسی فراهم سازد و وسائل تحصیلات بالاتر از آن را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان برای داوطلبان واجد شرایط، گسترش دهد.

اصل بیست و پنجم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل بیست و ششم

اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. هیچ عملی جرم نیست مگر در قوانین کیفری به آن تصریح شده باشد. مجازات های تعیین شده در سایر قوانین در صورتی قابل اجراء خواهند بود که پس از طی کامل مراحل قانونی تصویب، توسط مجلس شورای ملی به ترتیبی که قانون تعیین خواهد کرد در مجموعه ای شامل این گونه قوانین پراکنده کیفری درج شده و به تعداد کافی در اختیار عموم در سراسر کشور قرار گرفته باشد. تعیین جرائم در صلاحیت انحصاری مجلس شورای ملی است که بدون پیش فرض های سنتی، تنها بر اساس مطالعات ضرورت های جامعه و دستاوردهای علمی در مورد کلیه جنبه های فردی و اجتماعی انسانها، و با رعایت اصول حقوق بشر، و با رویکرد جرم زدائی، صورت می پذیرد.

اصل بیست و هفتم

هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، حداکثر ظرف یک ماه فراهم گردد. در صورت محکومیت متهم، مدت بازداشت موقت از مدت محکومیت وی کسر خواهد شد. متخلف از این اصل علاوه بر انفصال دائم از کلیه خدمات دولتی و نهادهای عمومی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنان است، به سایر مجازاتهای مندرج در قانون نیز محکوم می شود.

اصل بیست و هشتم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی توان از رجوع به دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل بیست و نهم

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی ام

حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و یکم

اعدام به هر صورت و تحت هر شرایط و به هر شکل اعم از تیرباران، حلق آویز کردن، سنگسار، و دیگر اشکال متصور، کلاً ممنوع است. حبس انفرادی بیش از 72 ساعت، بیش از چهار بار در سال، و هر گونه شکنجه و آزار جسمی یا روحی به هر دلیل از جمله برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاعات ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، ضمن انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای عمومی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنان است، به سایر مجازات های مندرج در قانون نیز محکوم می شود و موظف به جبران خسارات مادی و معنوی وارده خواهد بود.

اصل سی و دوم

هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. متخلف از این اصل، ضمن انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای عمومی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنان است، به سایر مجازات های مندرج در قانون نیز محکوم می شود و موظف به جبران خسارات مادی و معنوی وارده خواهد بود.

اصل سی و سوم

مکان و امکانات زندان های کشور باید در اداره مربوطه در قوه قضائیه به ثبت رسیده و لیست آن در اختیار قوه مقننه قرار داده شود و از طریق روزنامه رسمی به اطلاع عموم برسد. درب کلیه زندانها باید به طور شبانه روزی و در تمام

روزهای سال به روی بازرسان ویژه سه قوه و نمایندگان مجلس شورای ملی، مجتمعاً یا منفرداً، و نیز نمایندگان ارگان های رسمی حقوق بشری سازمان ملل متحد باز باشد. متخلف از این اصل، ضمن انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادهای عمومی که شمول قانون مستلزم ذکر نام آنان است، به سایر مجازات های مندرج در قانون نیز محکوم می شود.

اصل سی و چهارم

هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت ، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل سی و پنجم

هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل سی و ششم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل سی و هفتم

اتباع خارجه با رعایت تساوی کامل زنان و مردان می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را به پذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل سوم – اقتصاد و امور مالی

اصل سی و هشتم

ساختار اقتصاد کشور بر پایه سه بخش دولتی ، تعاونی و خصوصی استوار است. دولت حق انحصار فعالیت های اقتصادی برای خود را ندارد مگر در مواردی که به تامین نیازهای ضروری و حقوق اساسی جامعه یا امنیت ملی کشور مربوط است. دولت موظف است با شفاف سازی و تدوین قوانین و تسهیل مقررات زمینه فعالیت بخش های تعاونی و خصوصی را هر چه بیشتر فراهم آورد. حدود و ضوابط مربوطه را قانون معین می کند.

اصل سی و نهم

اموال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره ها، جنگلها، نزارها، بیشه های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود، در اختیار دولت است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر يك را قانون معین می کند.

اصل چهارم

هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند یا حقوق اساسی و انسانی وی را مورد تعدی قرار دهد.

اصل چهارم و یکم

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند.

اصل چهارم و دوم

در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان ها و توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استان ها و مناطق مختلف کشور، نباید تبعیض در کار باشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهارم و سوم

دولت موظف است ثروتهای ناشی از غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی و نهادهای عمومی و شرکت هائی که دولت و یا نهادهای عمومی در آنها سهم دارند، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر قانونی را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به خزانه دولت واریز نماید. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت در دادگاه صالح به وسیله دولت اجراء شود. در مواردی که موضوع به نحوی مربوط به دولت یا نهادهای عمومی و شرکت هائی که دولت و یا نهادهای عمومی در آنها سهم دارند می شود، هر شخص می تواند مراتب را به قوه قضائیه اعلام کند یا خود راساً به طرح شکایت در دادگستری بپردازد. در صورت اخیر، این شخص در صورت اخذ رای قطعی در دادگاه صالح دال بر اثبات مدعا، مستحق دریافت حق الزحمه بر اساس تعرفه وکلاء، از محل وجوه اخذ شده طی اجرای حکم خواهد بود.

اصل چهارم و چهارم

حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. تفصیل آن را قانون تعیین می کند.

اصل چهل و پنجم

هیچ نوع مالیات، عوارض و امثال آن وضع نمی شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می شود.

اصل چهل و ششم

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم می گردد. هر گونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل چهل و هفتم

کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه داری کل متمرکز می شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.

اصل چهل و هشتم

دیوان محاسبات کشور مستقیماً" زیر نظر مجلس شورای ملی است. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل چهل و نهم

دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، موسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انجا از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای ملی تسلیم می نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل چهارم - حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

اصل پنجاهم

ملت حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش است. هیچکس نمی تواند این حق را از ملت سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد.

اصل پنجاه و یکم

قوای حاکم در ایران عبارت هستند از: قوه مقننه (قانون گذاری) ، قوه مجریه (اجرایی) و قوه قضائیه (عدالت) و قوه رسانه های عمومی (روزنامه ها ، مجلات ، رادیو وتلوویزیونها) که بطور مستقل از یکدیگر هستند. اعمال قوای چهار گانه بر طبق اصول آینده این قانون مورد نظارت قرار می گیرد.

اصل پنجاه و دوم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید برای اجراء به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد.

اصل پنجاه و سوم

در مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد یا از سوی یک چهارم جمعیت کل واجدین شرایط رای دادن، از مجلس درخواست شده باشد.

اصل پنجاه و چهارم

اعمال قوه مجریه از طریق رئیس الوزرا و وزرا است .

اصل پنجاه و پنجم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق قانون تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت پردازد.

فصل پنجم – قوه مقننه

مبحث اول – مجلس شورای ملی

اصل پنجاه و ششم

مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می شوند تشکیل می گردد. انتخاب کنندگان باید حداقل دارای مدرک پایان تحصیلات دوره دبیرستان باشند. سایر شرایط انتخاب کنندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

اصل پنجاه و هفتم

دوره نمایندگی مجلس شورای ملی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

اصل پنجاه و هشتم

عده نمایندگان مجلس شورای ملی به طور متوسط یک نفر در ازای هر دویست هزار نفر ایرانی است. از تاریخ نخستین همه پرسی این قانون، هر ده سال یکبار و بر اساس جمعیت جدید کشور، افزایش تعداد نمایندگان با تصویب مجلس شورای ملی صورت می پذیرد. محدوده حوزه های انتخابیه را قانون معین می کند.

اصل پنجاه و نهم

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می یابد و تصویب طرحها و لوایح طبق آیین نامه مصوب داخلی انجام می گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

اصل شصت ام

ترتیب انتخاب رئیس و هیئت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیونها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین نامه داخلی مجلس معین می گردد.

اصل شصت و یکم

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن سوگندنامه را امضا نمایند:

”من در برابر ملت ایران سوگند یاد می کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می نمایم که نگهبان ایران، منافع ملی و حقوق ملت باشم. در انجام وظایف وکالت، امانت را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتدالی کشور و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته ها و نوشته ها و اظهار نظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تامین مصالح آنها را در مد نظر داشته باشم.“

نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه ای که حضور پیدا می کنند مراسم سوگند را بجای آورند.

اصل شصت و دوم

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد نخست وزیر و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان، انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

اصل شصت و سوم

مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای نخست وزیر یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل شصت و چهارم

نخست وزیر و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزرا مکلف به حضور هستند و هر گاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می شود.

مبحث دوم – اختیارات و صلاحیت مجلس شورای ملی

اصل شصت و پنجم

مجلس شورای ملی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند. اعلام طرح ها و لوایح به وزارتخانه ها و دستگاه های دولتی ذیربط قبل از بررسی در مجلس و نیز حضور نمایندگان آنها جهت اظهار نظر مشورتی در مجلس هنگام بررسی این طرح ها و لوایح لازم است. تفصیل آن را قانون تعیین می کند.

اصل شصت و هشتم

مجلس شورای ملی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل هشتاد و هشتم آمده بر عهده دادگاه قانون اساسی است.

اصل شصت و هفتم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای ملی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق، از قوانین می کنند نیست .

اصل شصت و هشتم

لوايح قانوني پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می شود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پنج درصد از نمایندگان، در مجلس شورای ملی قابل طرح است .

اصل شصت و نهم

طرحهای قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می کنند و به تقلیل درآمد عمومی با افزایش هزینه های عمومی می انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تامین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد مگر اینکه طرح آن بدواً به تصویب مجلس برسد.

اصل هفتادم

مجلس شورای ملی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور از جمله قوای مجریه و قضائیه را دارد.

اصل هفتاد و یکم

عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادهای و موافقتنامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفتاد و دوم

هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این که يك طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفتاد و سوم

برقراری حکومت نظامی ممنوع است . در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب اکثریت نسبی مجلس شورای ملی موقتاً "محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً" از مجلس کسب مجوز کند.

اصل هفتاد و چهارم

گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد.

اصل هفتاد و پنجم

دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در برخی امور تجارتي و صنعتي و کشاورزي و معادن و خدمات که به تامین نیازهای ضروری یا حقوق اساسی جامعه یا امنیت ملی کشور مربوط است به خارجیان مطلقاً ممنوع است. موارد آن را قانون تعیین می کند.

اصل هفتاد و هشتم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای ملی.

اصل هفتاد و نهم

بناها و اموال دولتي که از نفايس ملي باشد قابل انتقال به غير نيست مگر با تصویب دو سوم آراء نمایندگان مجلس شورای ملی، آنهم در صورتي که از نفايس منحصریفرد نباشد.

اصل هفتاد و دهم

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

اصل هفتاد و یازدهم

به منظور کمک به تدوین هر چه بهتر قوانین و تضمین مشارکت اقشار متخصص در روند قانونگذاری، مجلس کمیسیون های تخصصی در امور اقتصادی، کار و امور اجتماعی، آموزش و تحقیقات، سیاست خارجی، بهداشت و درمان، برنامه و بودجه، انرژی و سایر موارد به تشخیص مجلس جهت بررسی و یا تدوین پیش نویس طرحها و لوایح و ارائه مشورت به مجلس و نمایندگان آن را تشکیل خواهد داد. اعضای هر کمیسیون متشکل از حداقل پانزده نفر نماینده مجلس به انتخاب خود مجلس و به تعداد مساوی کارشناس با تخصص مرتبط، به انتخاب دانش آموختگان دارای تحصیلات دانشگاهی مرتبط در سطح کشور، خواهد بود. ترکیب کمیسیون امنیت ملی از این اصل مستثنی است. تفصیل این اصل در خصوص شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، روش انتخاب و سایر ترتیبات را قانون تعیین می کند.

اصل هشتادم

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروري می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل شصت

وششتم به کمیسیون های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می نماید به صورت آزمایشی اجراء می شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

همچنین مجلس شورای ملی می تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمانها، شرکتها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل شصت و ششم به کمیسیون های ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. مصوبات دولت نباید با قوانین و مقررات عمومی کشور مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر با مجلس شورای ملی و بر اساس درخواست حداقل ده درصد نمایندگان است. تشخیص مجلس مانع از حق رجوع افراد به دادگاه قانون اساسی جهت تشخیص تعارض با قانون اساسی و رجوع به دیوان عدالت اداری در موارد تعارض با قوانین عادی نخواهد بود.

اصل هشتماد و یکم

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود در مجلس یا خارج از آن کاملاً آزادند و نمی توان آنها را به سبب نظراتی که اظهار کرده اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده اند تعقیب یا توقیف کرد.

اصل هشتماد و دوم

نخست وزیر برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد.

اصل هشتماد و سوم

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای ملی از نخست وزیر یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول ، درباره یکی از وظایف آنان سوال کنند، نخست وزیر یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سوال جواب دهد و این جواب نباید در مورد نخست وزیر بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تاخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی.

اصل هشتماد و چهارم

1 - نمایندگان مجلس شورای ملی می توانند در مواردی که لازم می دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل پنج درصد نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رای عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس

رای اعتماد نداد، هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می شود عضویت پیدا کنند.

2 - در صورتی که حداقل یک چهارم از نمایندگان مجلس شورای ملی نخست وزیر را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، نخست وزیر باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ نخست وزیر، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت نخست وزیر رای دادند مراتب جهت اجراء به اطلاع شورای نخست وزیر مرکب از معاون اول نخست وزیر، رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس شورای ملی می رسد.

اصل هشتماد و پنجم

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتبا" به مجلس شورای ملی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را به شاکی اعلام نماید و در مواردی که مربوط به عموم باشد نتیجه را به اطلاع مردم برساند و در صورت تشخیص جرم مراتب را جهت اقدام به اطلاع دادستان کل کشور نیز برساند. در موارد نقض قانون اساسی، مجلس موظف به گزارش آن به دادگاه قانون اساسی خواهد بود.

اصل هشتماد و ششم

به منظور تضمین و تشخیص رعایت قانون اساسی و عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی و دولت با آن در صورت طرح موضوع از طریق دادخواست توسط هر شخص، و سایر وظایف مندرج در این قانون و سایر قوانین، دادگاه قانون اساسی با ترکیب زیر به عنوان قضاات این دادگاه تشکیل می شود:

1 - ده نفر از قضاات شاغل یا بازنشسته با حداقل سابقه پانزده سال کار قضائی به انتخاب قضاات کشور.

2 - ده نفر از حقوقدانان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان اعضای هیئت علمی دانشگاهها به انتخاب دانش آموختگان رشته حقوق با حداقل مدرک کارشناسی.

3 - پنج نفر از وکلای دادگستری با سابقه حداقل پانزده سال سابقه عضویت در کانون های وکلاء به انتخاب اعضای کانون وکلاء.

تفصیل این اصل را قانون تعیین می کند.

اصل هشتاد و هفتم

اعضای دادگاه قانون اساسی برای مدت ده سال انتخاب می شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن پنج سال، نیمی از اعضای هر یک از دسته های اول و دوم و سه نفر از اعضای دسته سوم، مذکور در اصل هشتاد و ششم به قید قرعه تغییر می یابند و اعضای تازه ای به جای آنها انتخاب می شوند.

اصل هشتاد و هشتم

تشخیص تعارض مصوبات قوای مقننه و مجریه با قانون اساسی با حکم دادگاه قانون اساسی است که بر اساس نظر نصف به علاوه یک کل اعضای دادگاه صادر می شود.

اصل هشتاد و نهم

تفسیر قانون اساسی به درخواست هر یک از روسای سه قوه، مجلس شورای ملی، دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری، بر عهده دادگاه قانون اساسی است که با تصویب دو سوم آنان انجام می شود.

اصل نودم

دادگاه قانون اساسی رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری با رعایت اصل یکصدم، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آرا عمومی و همه پرسشی را بر عهده دارد. جلسات دادگاه باید از طریق صدا و سیما به اطلاع عموم برسد.

فصل ششم - شوراهای منطقه ای و محلی

اصل نود و یکم

برای مشارکت مردم در پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل به طور مستقیم انتخاب می کنند. شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات نظارتی و نحوه انتخاب و نظارت بر شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می کنند.

اصل نود و دوم

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می کند.

اصل نود و سوم

شورای عالی استانها حق دارد در حدود وظایف خود طرحهایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند. این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اصل نود و چهارم

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

فصل هفتم – قوه مجریه

مبحث اول – نخست وزیر و وزرا

اصل نود و پنجم

نخست وزیر عالیترین مقام رسمی اجرایی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد.

اصل نود و ششم

نخست وزیر برای مدت چهار سال با رای مستقیم مردم انتخاب می شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای يك دوره بلامانع است.

اصل نود و هفتم

نخست وزیر از میان مردان و زنان واجد شرایط زیر انتخاب می شود:

ایرانی الاصل، تابع ایران، دارای حداقل مدرک کارشناسی، فاقد سابقه اعتیاد، فاقد سابقه کیفری در جرائم جنائی یا مالی یا سایر جرائمی که قانون انتخابات تعیین می کند.

اصل نود و هشتم

نامزدهای نخست وزیری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخابات نخست وزیر را قانون معین می کند.

اصل نود و نهم

نخست وزیر با اکثریت مطلق آرا شرکت کنندگان ، انتخاب می شود، ولی هر گاه در دور نخست هیچ يك از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رای گرفته می شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرا بیشتری داشته اند شرکت می کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آرا بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رای داشته اند برای انتخاب مجدد معرفی می شوند.

اصل یکصدم

مسئولیت نظارت بر حسن اجرای انتخابات نخست وزیر بر عهده هیئت نظارت بر انتخابات متشکل از سه نفر نماینده وزارت کشور به انتخاب هیئت دولت، سه نفر نماینده قوه قضائیه به انتخاب دیوان عالی کشور و پانزده نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب مجلس است. دادگاه قانون اساسی صلاحیت رسیدگی به شکایات از تصمیمات هیئت نظارت بر انتخابات را دارا خواهد بود. تفصیل آن را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و یکم

انتخاب نخست وزیر جدید باید حداقل يك ماه پیش از پایان دوره نخست وزیری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب نخست وزیر جدید و پایان دوره نخست وزیر سابق ، نخست وزیر پیشین وظایف نخست وزیری را انجام می دهد.

اصل یکصد و دوم

هر گاه در فاصله ده روز پیش از رای گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تاخیر می افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می شود.

اصل یکصد و سوم

نخست وزیر در مجلس شورای ملی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضاییه تشکیل می شود به ترتیب زیر سوگند یاد می کند و سوگندنامه را امضا می نماید:

”من به عنوان نخست وزیر در برابر ملت ایران و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می نمایم سوگند یاد می کنم که نگهبان ایران، منافع ملی و حقوق ملت باشم. در انجام وظایف نخست وزیری، امانت را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتدالی کشور و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم، همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیتهایی که بر عهده گرفته ام بکار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعلاای کشور، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نوزم و قدرتی را که ملت به عنوان امانت به من سپرده است همچون امینی درستکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.“

حکم نخست وزیری در همین جلسه و پس از پایان سوگند توسط نخست وزیر، به امضای رئیس مجلس و توسط وی از طرف ملت به توشیح رئیس جمهور تشریفات خواهد رسید.

اصل یکصد و چهارم

نخست وزیر در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و مجلس شورای ملی مسئول است.

اصل یکصد و پنجم

نخست وزیر موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسشی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجراء در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل یکصد و ششم

نخست وزیر می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول نخست وزیر با موافقت وی اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونتها را به عهده خواهد داشت.

اصل یکصد و هفتم

امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی، عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، موافقتنامه ها و قراردادهای دولت ایران و هریک وزارتخانه ها و سازمان های تابعه یا وابسته به دولت، با سایر دولتها یا بخش خصوصی خارجی پس از تصویب مجلس شورای ملی با نخست وزیر یا نماینده قانونی او است. پاراف اینگونه اسناد توسط نخست وزیر یا

نماینده قانونی او در صورتی که هیچگونه آثار الزام آور نداشته باشد بلامانع است. در این صورت نخست وزیر موظف است مراتب را ظرف پانزده روز به اطلاع مجلس برساند.

اصل یکصد و هشتم

نخست وزیر مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

اصل یکصد و نهم

نخست وزیر می تواند در موارد خاص ، بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات نخست وزیر و هیئت وزیران خواهد بود.

اصل یکصد و دهم

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب نخست وزیر تعیین می شوند. ولی امضای استوارنامه های سفیران و پذیرش استوارنامه های سفیران خارجی به عهده رئیس جمهور تشریفاتی خواهد بود.

اصل یکصد و یازدهم

علاوه بر وظایفی که به موجب اصول این قانون و قوانین عادی بر عهده نخست وزیر قرار می گیرد، وظایف زیر نیز بر عهده شخص نخست وزیر است و نمی توان آنها را بر عهده دیگری گذارد:

(1) فرماندهی کل نیروهای مسلح

(2) اعلان جنگ و صلح با تصویب مجلس شورای ملی

(3) نصب و عزل و قبول استعفاى رئیس ستاد مشترك نیروهای مسلح و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی

(4) عفو یا تخفیف مجازات محکومین پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه

(5) اعطای نشانهای دولتی

اصل یکصد و دوازدهم

نخست وزیر استعفای خود را به مجلس شورای ملی تقدیم می کند و تا زمانی که استعفای او با رای اکثریت نصف به علاوه یک تعداد کل نمایندگان پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می دهد.

اصل یکصد و سیزدهم

در صورت فوت، کناره گیری، عزل، یا ناتوانی از انجام وظیفه به مدت بیش از دو ماه نخست وزیر به دلیل غیبت یا بیماری و امثال آن، یا در موردی که مدت نخست وزیری پایان یافته و نخست وزیر جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این دست، شورایی به نام شورای نخست وزیری مرکب از معاون اول نخست وزیر، رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس شورای ملی، همه وظایف نخست وزیری را به طور موقت به عهده می گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجلس شورای ملی، در شورا به جای وی منصوب می گردد. این شورا موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت سه ماه انتخابات نخست وزیری جدید برگزار شود.

هر گاه نخست وزیر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتا" از انجام وظایف نخست وزیری ناتوان شود در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود.

ریاست شورا بر عهده معاون اول نخست وزیر و در غیاب وی به ترتیب بر عهده رئیس مجلس شورای ملی و رئیس قوه قضائیه خواهد بود.

اصل یکصد و چهاردهم

در مدتی که اختیارات و مسئولیتهای نخست وزیر بر عهده شورای نخست وزیری است، وزرا را نمی توان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی توان برای تجدید نظر در قانون اساسی برای همه پرسشی اقدام نمود.

اصل یکصد و پانزدهم

وزرا توسط نخست وزیر تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رای اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست . تعداد وزیران و حدود اختیارات هر يك از آنان را قانون معین می کند.

اصل یکصد و شانزدهم

ریاست هیئت وزیران با نخست وزیر است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم های وزیران و هیئت دولت می پردازد و با همکاری وزیران ، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجراء می کند.

در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئت وزیران که به پیشنهاد نخست وزیر اتخاذ می شود لازم الاجراء است . نخست وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیئت وزیران است .

اصل یکصد و هفدهم

وزرا تا زمانی که عزل نشده اند و یا بر اثر استیضاح یا در خواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می مانند. استعفای هیئت وزیران یا هر يك از آنان به نخست وزیر تسلیم می شود و هیئت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد.

نخست وزیر می تواند برای وزارتخانه هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

اصل یکصد و هجدهم

نخست وزیر می تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رای اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت یک سوم از هیئت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای ملی برای هیئت وزیران تقاضای رای اعتماد کند.

اصل یکصد و نوزدهم

هر يك از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر نخست وزیر و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست .

اصل یکصد و بیستم

علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مامور تدوین آیین نامه های اجرایی قوانین می شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تامین اجرای قوانین و تنظیم سازمانهای اداری به وضع تصویبنامه و آیین نامه بپردازد. هر يك از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

دولت می تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیونهای متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیونها در محدوده قوانین پس از تایید نخست وزیر لازم الاجراء است .

تصویبنامه ها و آیین نامه های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل ، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رییس مجلس شورای ملی می رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به

هیئت وزیران بفرستد. نظر مجلس مانع از اعمال حق افراد در رجوع به دادگاه قانون اساسی جهت تشخیص تعارض با قانون اساسی و دیوان عدالت اداری بابت تعارض با قوانین عادی نخواهد بود.

اصل یکصد و بیست و یکم

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا حل و فصل آن از طریق داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و بیست و دوم

رسیدگی به اتهام نخست وزیر و معاونان او و وزیران، در مورد جرائم مربوط به انجام وظایف شان در یکی از شعب دیوان عالی کشور و در مورد جرائم عادی در دادگاههای عمومی دادگستری، و در هر دو صورت با اطلاع مجلس شورای ملی، انجام می شود.

اصل یکصد و بیست و سوم

نخست وزیر، معاونان نخست وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا نهادها و موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای ملی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکتهای دولتی و خصوصی، جز شرکتهای تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است. سمتهای آموزشی در دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است. داشتن سمت مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره یا مشاوره یا هر ترکیبی از اینها بطور همزمان در دو یا چند شرکت، موسسه یا نهاد دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت ها، موسسات و نهادهای عمومی که شمول آنها مستلزم ذکر نام است ممنوع است.

اصل یکصد و بیست و چهارم

دارایی نخست وزیر، معاونان نخست وزیر، وزیران، نمایندگان مجلس و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رییس قوه قضاییه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

مبحث دوم – ارتش ایران

اصل یکصد و بیست و پنجم

بجز نیروهای انتظامی که وفق قوانین تشکیل می شوند و تضمین امنیت جامعه و انجام وظایف ضابط قضائی را بر عهده دارند، ارتش ایران تنها نیروی نظامی کشور است. ارتش ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور را بر عهده دارد.

اصل یکصد و بیست و ششم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای مسلح کشور پذیرفته نمی شود.

اصل یکصد و بیست و هفتم

استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز باشد ممنوع است.

اصل یکصد و بیست و هشتم

دولت می تواند در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی و آموزشی، استفاده کند به شرطی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید. در هر صورت و تحت هر شرایط، و به منظور حفظ قداست خدمات نیروهای مسلح به میهن و مردم، دخالت این نیروها در امور سیاسی و اقتصادی ممنوع است.

اصل یکصد و بیست و نهم

هر نوع بهره برداری شخصی از وسائل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته ، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است .

اصل یکصد و سی ام

ترفیغ درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است .

اصل یکصد و سی و یکم

دولت موظف است برای همه افراد کشور امکانات آموزش نظامی را فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

فصل هشتم – سیاست خارجی

اصل یکصد و سی و دوم

سیاست خارجی ایران بر اساس نفي هر گونه سلطه جويي و سلطه پذيري ، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضي کشور، دفاع از حقوق بشر و روابط صلح آمیز متقابل با جهان استوار است .

اصل یکصد و سی و سوم

هر گونه قرارداد که موجب سلطه خارجیان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگ ، ارتش و دیگر شوون کشور گردد ممنوع است. حدود آن را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و سی و چهارم

دولت ایران می تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی یا اجتماعی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران یا کنوانسیون های بین المللی که ایران آنها را امضاء کرده و به تصویب نهائی مجلس رسیده باشد تبهکار یا خائن به ملت خود شناخته شوند.

فصل نهم – قوه قضائیه

اصل یکصد و سی و پنجم

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

1) رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعديات ، شکایات ، حل و فصل دعاوي و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می کند،

2) احیای حقوق عامه و گسترش عدل و حقوق بشر،

3) نظارت بر حسن اجرای قوانین،

4) کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای سایر مقررات مدون جزایی،

5) اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین،

6) رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم،

7) انجام وظایف نظارتی و سایر وظایف مندرج در قوانین ناظر بر روابط بین قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه.

اصل یکصد و سی و ششم

به منظور انجام مسئولیت های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، یک نفر از میان زنان و مردان حقوقدان عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر با سابقه حداقل پانزده سال کار قضاوت و/یا وکالت، به انتخاب قضاات کشور با اکثریت مطلق برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضاییه تعیین می شود که عالیترین مقام قوه قضاییه است. عزل وی تنها در صورت محکومیت قطعی کیفری در اختیار مجموع اعضای دیوان عالی کشور و دیوان عدالت اداری، و در سایر موارد با تصویب دو سوم کل نمایندگان مجلس شورای ملی خواهد بود. تفصیل روش انتخاب و عزل را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و سی و هفتم

وظایف رئیس قوه قضاییه به شرح زیر است :

1 – ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری بر اساس قانون و به تناسب مسئولیت های اصل یکصد و سی و پنجم.

2 – تهیه لوایح قضایی با رعایت کلیه اصول قانون اساسی.

3 – ریاست هیئت استخدام قضاات متشکل از رئیس قوه قضاییه، پنج نفر از قضاات دیوان عالی کشور و پنج نفر از قضاات دیوان عدالت اداری، که وظیفه استخدام قضاات عادل، شایسته و دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته حقوق، و عزل و نصب آنها و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها را طبق قانون برعهده خواهد داشت.

اصل یکصد و سی و هشتم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است

اصل یکصد و سی و نهم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که قانون تعیین می کند تشکیل می گردد. قضاات دیوان با رای قضاات دادگستری انتخاب می شوند.

اصل یکصد و چهلم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید از میان قضات عادل و آگاه به امور قضایی با سابقه حداقل پانزده سال کار قضائی توسط قضات دیوان عالی کشور برای مدت پنج سال انتخاب شوند. عزل آنها در اختیار همین دیوان و با اطلاع مجلس خواهد بود. قبول استعفاى آنان با رئیس قوه قضائیه است.

اصل یکصد و چهل و یکم

صفات و شرایط قاضی با رعایت اصول قانون اساسی، بوسیله قانون معین می شود.

اصل یکصد و چهل و دوم

قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه، دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.

اصل یکصد و چهل و سوم

محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافعی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و چهل و چهارم

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. دادگاهها باید در احکام خود به تمام استدلالات طرفین اشاره کنند و دلایل قبول یا رد آنها را صریحاً و به طور کامل و جداگانه بیان دارند.

اصل یکصد و چهل و پنجم

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد در صورت امکان با استناد به عرف و اصول حقوقی حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و چهل و ششم

هیچ فعل یا ترك فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

اصل یکصد و چهل و هفتم

قضات دادگاهها مکلفند از اجرائی تصویبنامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات موضوعه یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و ضمن صدور حکم مقتضی در پرونده مطروح، موضوع را جهت تصمیم گیری عمومی به اطلاع دیوان عدالت اداری برسانند. در هر حال، هر شخصی می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. در صورت اثبات مدعا، شخص مستحق دریافت پاداش معادل تعرفه وکالت به هزینه دستگاه اجرائی خوانده خواهد بود. جریمه یا مجازات افراد تصویب کننده مصوبات ابطال شده را قانون تعیین خواهد کرد.

اصل یکصد و چهل و هشتم

هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر شخصاً ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال ضرر شخص متضرر طبق قانون جبران خواهد شد.

اصل یکصد و چهل و نهم

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضا ارتش و سایر نیروهای مسلح، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شوند. دادستانی و دادگاههای نظامی بخشی از قوه قضاییه کشور و از جهت طرز انتخاب قضات و سایر ترتیبات مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و پنجاهم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین یا واحدها یا آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری تاسیس می گردد. انتخاب اعضای این دیوان با قضات دادگستری، و انتخاب و عزل رئیس آن با اعضای این دیوان است. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

اصل یکصد و پنجاه و یکم

بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرائی صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام "سازمان بازرسی کل کشور" زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می گردد. انتخاب و عزل رئیس سازمان با معرفی و درخواست رییس قوه قضاییه بر عهده دیوان عالی کشور است. قبول استعفا وی با رییس قوه قضاییه خواهد بود. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند.

فصل دهم - صدا و سیما

اصل یکصد و پنجاه و دوم

در صدا و سیماي ملی ایران ، آزادي بيان و نشر افکار با رعایت قوانین و مصالح کشور باید تامین گردد. نصب و عزل رییس سازمان صدا و سیماي ملی ایران با مجلس شورای ملی است و شورایی مرکب از نمایندگان نخست وزیر و رییس قوه قضاییه و مجلس شورای ملی (هر کدام سه نفر) بر این سازمان نظارت خواهد داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می کند.

فصل یازدهم - شورای عالی امنیت ملی

اصل یکصد و پنجاه و سوم

به منظور تامین منافع ملی و پاسداری از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست نخست وزیر، با وظایف زیر تشکیل می گردد:

- 1- تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور.
- 2- هماهنگ نمودن قوای مجریه، مقننه و قضائیه در زمینه تدابیر کلّی دفاعی - امنیتی .
- 3- بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با خطرات و تهدیدهای داخلی و خارجی .

اعضای شورا عبارتند از:

- روسای قوای سه گانه .
- رییس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح.
- عالیترین مقام نیروی زمینی، هوایی و دریایی.
- مسئول امور برنامه و بودجه
- سه نماینده به انتخاب مجلس.
- وزرای امور خارجه ، کشور، و امنیت ملی .
- حسب مورد وزیر مربوط

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می دهد. ریاست هر يك از شوراهای فرعی با نخست وزیر یا یکی از اعضای شورای عالی است که طرف نخست وزیر تعیین می شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می رسد.

فصل دوازدهم – بازنگری در قانون اساسی

اصل یکصد و پنجاه و چهارم

با توجه به تحول جوامع بشری، تغییر نیازها و دانش بشر، و درک ضرورت تحول در قوانین و مقررات حاکم بر زندگی انسان، بازنگری در قانون اساسی ایران امکان پذیر است و به ترتیب زیر انجام می گیرد:

در صورتی که ضرورت بازنگری یا متمیم قانون اساسی به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی رسیده یا از سوی یک بیستم جمعیت کل واجدین شرایط رای دادن در کشور از مجلس درخواست شده باشد، شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر و به ریاست رئیس مجلس جهت تهیه اصلاحیه یا متمم این قانون تشکیل می شود:

1 – روسای قوای سه گانه.

2 – قضات دادگاه قانون اساسی .

3 – پنج نفر از وزراء به انتخاب هیئت وزیران.

4 – پنج نفر از قوه قضائیه به انتخاب قضات دیوان عالی کشور.

5 – ده نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب مجلس.

6 – پنج نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاهها به انتخاب مجلس.

مصوبات شورا باید طی یک همه پرسی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان برسد.

مسئولیت نظارت بر حسن اجرای همه پرسی بر عهده هیئت نظارت بر همه پرسی متشکل از پنج نفر نماینده وزارت کشور به انتخاب هیئت دولت، پنج نفر نماینده قوه قضائیه به انتخاب دیوان عالی کشور و بیست و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب مجلس است. دادگاه قانون اساسی صلاحیت رسیدگی به شکایات از تصمیمات هیئت نظارت بر همه پرسی را دارا خواهد بود.

شیوه کار شورا و تفصیل ضوابط همه پرسى را قانون تعیین می کند.

فصل سیزدهم _ انتخاب رئیس جمهور تشریفاتى یا اول شخص کشور

اصل یکصد و پنجاه و پنجم

رئیس جمهور مظهر کشور و وحدت تمام مردم ایران است. عنوان رسمی او رئیس جمهور ایران و مقام وی فقط تشریفاتى و از اراده مردم که حاکمیت رادردست دارند ناشی میگردد .

اصل یکصد و پنجاه و ششم

رئیس جمهور ضامن استقلال ملی، تمامیت ارضی، و حافظ اجرای قانون اساسی بوده و از طریق ایجاد هماهنگی بین قوای مملکتی ، استمرار جمهوری را تضمین مینماید.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

هر فرد ایرانی الاصل که دارای پنجاه سال سن باشد می تواند به ریاست جمهوری انتخاب شود.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

رئیس جمهور از طریق انجام همه پرسى و کسب اکثریت آراء مستقیم مردم و یا بوسیله رای اکثریت نمایندگان مجلس، برای مدت چهار یا پنجسال سال و فقط یکبار انتخاب میگردد. مقررات اجرای مفاد این اصل بوسیله يك قانون خاص معین خواهد شد.

اصل یکصد و پنجاه و نهم

رئیس جمهور بایستی در مقابل مجلسین سوگند یاد کر ده که وظایف خود را به نحو احسن انجام داده ، پایبند به قانون اساسی و دیگر قوانین بوده و به حقوق شهروندان احترام بگذارد .

اصل یکصد و شصتم

رئیس جمهور و اعضای خانواده او اجازه دریافت و یا اعطای هیچگونه مال و هدیه ای را بدون اجازه مجلسین نداشته و در دوران ریاست جمهوری حق اشتغال رسمی و افتخاری در هیچ دستگاه یا سازمانی که جنبه بازرگانی و انتفاعی داشته باشد ، ندارند.

اصل یکصد و شصت و یکم

رئیس جمهور فقط در امور مصرح در قانون اساسی میتواند اقدام نماید و در مورد حکومت، قدرتی ندارد.

اصل یکصد و شصت و دوم

فرمان‌های رئیس جمهور همیشه بایستی با حضور نخست وزیر و یا وزراء مربوطه صورت گیرد. در هر صورت مسئولیت فرمان‌های صادر شده از سوی رئیس جمهور با هیئت وزیران است.

اصل یکصد و شصت و سوم

شرایط تفویض اختیارات و وظایف رئیس جمهور توسط قانون خاصی معین میشود.

این قانون اساسی در اندیشگاه ملی ایرانیان تهیه شده است

تیرماه 1387